

عنوان مقاله:

تحلیل ساختار روایی رمان سلوک بر اساس نظریه ژنت

محل انتشار:

پژوهشنامه ادبیات داستانی، دوره 4، شماره 14 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسنده:

خلاصه مقاله:

چکیده استفاده موثر از فنون روایی منجر به خلق آثاری موفق در حوزه ادبیات داستانی شده است. محمود دولت‌آبادی نویسنده‌ای برجسته در این حوزه و داستان سلوک وی، جزو آثار جریان سیال ذهن است. این پژوهش، به شیوه توصیفی - تحلیلی، در پی شناسایی تاثیر به کارگیری فنون روایی بر داستان سلوک است؛ به همین منظور، بعد از معرفی نظریه ژنت و شرح نظریه روایت وی در سه سطح «زمان دستوری: نظم و ترتیب، تداوم، بسامد»، «وجه: فاصله و کانونی شدگی»، «صدا یا لحن»، داستان سلوک در این ساختار تحلیل شده است. نتیجه پژوهش حاکی از آن است که داستان سلوک به شیوه زمان‌پریشی به کلی از جریان خطی رخدادها فاصله گرفته و همه رخدادها در داستان با شتاب یکسان نقل نشده‌اند، راوی نیز از زوایای دید متفاوت ادراکی، روان‌شناختی و ایدئولوژیکی به مشاهده کانونی-گرهای داستان نشسته و این خود از عواملی است که بر جذابیت داستان سلوک افزوده است. کاربرد گفت وگوهای طولانی نیز سبب چندصدا شدن متن داستان شده است.

کلمات کلیدی:

کلیدواژه‌ها: محمود دولت‌آبادی، سلوک، روایت‌شناسی، نظریه ژرار ژنت

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1743791>

